

ای نام تو بهترین سرآغاز

هسته وابسته بسین مضاف الیه صفت عالی هسته

است = فعل اسمازی
حروف

منادا حروف تویی که

بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

مفاد الذمائی منفی، اول شخص مفرد

حرف انشائی هسته وابسته بسین مضاف الیه هسته مفعول فعل

۱- تکرار = تو، نام ۲- جانش ناقص افراشی = نام نامه

قلمرو ادبی:

ای حدایی که نام تو بهترین نام برای شروع کارها است. بدون نام تو کتاب را نمی‌نشانم.

قلمرو فکری:

قافیه = سرآغاز، باز تعداد جمله = ۳ جمله

قلمرو زبانی:

ای یاد تو مونس روانم

هسته وابسته بسین مضاف الیه هسته وابسته بسین مضاف الیه هسته

است = فعل اسمازی

حرف تویی که منادا حروف

جز نام تو، نیست بر زبانم

هسته وابسته بسین مضاف الیه هسته حرف تکرار هسته حرف استثناء

(نوی باشد) مفاد اجزای منفی، سوم شخص مفرد

۱- تکرار = تو

قلمرو ادبی:

ای حدایی که یاد تو صدم جان من است و جز نام تو بر زبانم نیست.

قلمرو فکری:

قافیه = روانم و روانم تعداد جمله = ۳ جمله

قلمرو زبانی:

وابسته پسین مضاف الیه

ای کارگشای هرچه هستند

می باشی = فعل اسنادی محذوف

وابسته پسین مضاف الیه

مسنده

نام تو، کلید هرچه بستند

می باشی = فعل اسنادی محذوف

مسنده

نهاد

کسی که = منادا محذوف

قلمرو ادبی:

۱- تشبیه = نام خدا بطلید ۲- تکرار = هرچه ۳- حواس باطن اصلاحي = هستند، بستند

قلمرو فکری:

ای خدایی که تشبیه تمام موجودات می باشی، نام تو کلیدی است که تمام کارهای مریسته را بازی کند.

قلمرو زبانی:

تعداد جمله = ۳ جمله

فایده = هستند، بستند

وابسته پسین مضاف الیه

ای هست کن اساس هستی

می باشی = فعل اسنادی محذوف

مسنده مضاف الیه

کوته ز درت، درازدستی

است = فعل اسنادی محذوف

نهاد

مسنده حرف متمم
افغانه

منادا محذوف = کسی که

قلمرو ادبی:

۱- تحقیر = کوته، از ۲- واج آرایی = س، د

قلمرو فکری:

ای خدایی که آفریننده جهان می باشی و کسی را مدرت آن نیست که در برابر تو مدرت نیای کند.

قلمرو زبانی:

تعداد جمله = ۳ جمله

فایده = هستی، درازدستی

هم قصه ناموده ، دانی

هسته
واسته بسین
مضاف الیه

تیره: چهار حرف ←

مضارع اخباری، دو شخص مفرد
فعل →

هم نامه نانوشته ، خوانی

هسته
واسته بسین مضاف الیه
مفعول

تیره: چهار حرف ←

مضارع اخباری ، دو شخص مفرد
فعل →

قلمرو ادبی: ۱- تکرار هم ۲- واج آرای = ن ۳- ترصیع

قلمرو فکری: ای خدا بی قصه نگفته را می دانی و از نامه نوشته شده خبر داری .

قلمرو زبانی: ماضی = دانی ، خوانی / تعداد جمله = ۲ جمله

هم تو ، به عنایت الهی

هسته
واسته بسین
صفت نسبی

آنجا ، قدم رسان که خواهی

هسته
واسته بسین
مفعول

مضارع اخباری ، دو شخص مفرد
فعل →

تیره: چهار حرف

۱- صفت با صفت اصلاحی = ن ، ب

قلمرو ادبی:

قلمرو فکری: ای خدا به لطف و عنایت خود ، مرا به جایی که دوست دارم برسان .

قلمرو زبانی: ماضی = الهی ، خواهی / تعداد جمله = ۲ جمله

